

نشریه علمی مطالعات حقوقی معاصر، سال یازدهم، شماره بیستم، بهار و تابستان ۹۹، صفحات ۱۶۹-۱۹۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۱۳

تحلیل دعاوی مستثنی شده از قلمرو کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فقه امامیه

رضا معبودی نیشابوری^۱

سید علیرضا رضائی^۲

چکیده

جدیدترین سند بین‌المللی لازم‌الاجرا در خصوص حل و فصل اختلافات، کنوانسیون سنگاپور است. این کنوانسیون با اعطای وصف لازم‌الاجرا به سازش‌نامه‌های ناشی از فرایند میانجی‌گری، به دنبال ارتقای سازش در میان سایر روش‌های حل و فصل اختلافات است. الحاق ایران به این کنوانسیون نقش مؤثری در رواج بیشتر میانجی‌گری در دعاوی تجاری خواهد داشت. در صورتی که سازش‌نامه‌ای در قلمرو کنوانسیون سنگاپور قرار گیرد، در کشورهای عضو دارای وصف لازم‌الاجرا خواهد بود. در مقابل، در بند ۳ ماده ۱ معاهده یادشده، سازش‌نامه‌هایی از شمول کنوانسیون استثناء شده‌اند. بخشی از این موارد به دلیل موضوع دعوا از محدوده اعمال کنوانسیون مستثنی شده که عبارت‌اند از: سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق مصرف‌کننده، حقوق خانواده، حقوق ارث یا حقوق کار. وضعیت حقوقی و شرایط اعمال موارد پیش‌گفته از جهت تأثیر در بهره بردن یک سازش‌نامه از حمایت اجرایی کنوانسیون سنگاپور شایسته بررسی و تدقیق است. این پژوهش ضمن تحلیل موضع حقوق ایران و فقه امامیه در خصوص دعاوی یادشده، به این نتیجه دست یافته است که رویکرد کنوانسیون سنگاپور نسبت به مستثنی نمودن دعاوی مربوط به حقوق خانواده و حقوق ارث قابل دفاع است، زیرا این‌گونه دعاوی در معرض قواعد بسیار متباعد و متفاوت نظام‌های حقوقی قرار داشته، لزوم حصول اجماع میان تمامی کشورهای عضو اقتضا دارد دعاوی یادشده در محدوده اعمال این کنوانسیون قرار نگیرند. اما در مقابل، جهت‌گیری معاهده یادشده در مستثنی نمودن دعاوی مصرف‌کننده و کار، از آن جهت که سرانجام به زیان مصرف‌کننده و کارگر منجر می‌شود، چندان قابل دفاع نیست.

واژگان کلیدی: حقوق ارث، حقوق خانواده، حقوق کار، حقوق مصرف‌کننده، میانجی‌گری.

۱. maboudi@um.ac.ir

۲. alirezarezaee4771@mail.um.ac.ir

۱. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه

سازش یا میانجی‌گری در حال حاضر نتوانسته است جایگاه ویژه‌ای در میان روش‌های حل و فصل اختلافات پیدا کند و استفاده از روش یادشده نسبت به سایر روش‌های حل و فصل اختلافات مثل داوری و دادرسی، شیوع بسیار کمتری دارد. وضع مقرراتی از سوی آنسیترال و اتحادیه اروپا نیز نتوانست تأثیر چندانی در این خصوص ایجاد نماید، زیرا مهم‌ترین علت عدم استقبال از این روش حل و فصل اختلافات، فقدان وصف لازم‌الاجرا در سازش‌نامه‌های حاصل از میانجی‌گری است. لذا کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد سازش‌نامه‌های حاصل از میانجی‌گری^۱ ۲۰۱۹ (کنوانسیون سنگاپور)^۲ تنظیم شد. مهم‌ترین هدف این کنوانسیون، ایفای نقشی مشابه کنوانسیون نیویورک در خصوص شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی در جهت افزایش استفاده از روش میانجی‌گری در حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی است. مطمئناً الحاق ایران به این کنوانسیون نقش مؤثری در رواج بیشتر میانجی‌گری در دعاوی تجاری خواهد داشت.

اگر سازش‌نامه مشمول قلمرو اعمال کنوانسیون سنگاپور شود، از وصف لازم‌الاجرا برخوردار خواهد بود. برای تعیین قلمرو اعمال کنوانسیون سنگاپور، یکی از موضوعات مهم، بررسی سازش‌نامه‌های استثنائیه از این کنوانسیون است. برابر بند ۳ ماده ۱ این مقرر، برخی سازش‌نامه‌ها مشمول کنوانسیون سنگاپور قرار نمی‌گیرند و متعاقباً در کشورهای عضو لازم‌الاجرا تلقی نمی‌شوند. برخی سازش‌نامه‌ها به این دلیل از محدوده کنوانسیون سنگاپور استثنا شده‌اند که موضوع آنها غیرتجاری بوده، رویکردهای متفاوتی در کشورهای مختلف نسبت به آنها وجود دارد.

مطابق پاراگراف «الف» از بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون، سازش‌نامه‌های مربوط به حل و فصل اختلافات ناشی از معاملاتی که یکی از طرفین (مصرف‌کننده) برای اهداف شخصی، خانوادگی یا خانگی منعقد نموده است، از محدوده اعمال کنوانسیون خارج شده‌اند. چنین رویکردی در ماده ۲ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیز مشاهده می‌شود. این استثناها در

1. United Nations Convention on International Settlement Agreements Resulting from Mediation 2019.

۲. از این پس «کنوانسیون» یا «کنوانسیون سنگاپور».

قانون نمونه سازش تجاری بین‌المللی آنسیترال^۱ ۲۰۰۲ نیامده، اما عین این استثناها در بند ۲ ماده ۱۶ قانون نمونه آنسیترال در زمینه سازش تجاری بین‌المللی و سازش‌نامه‌های بین‌المللی ناشی از فرایند سازش مصوب ۲۰۱۸^۲ بیان شده‌اند. همچنین مطابق پاراگراف «ب» از بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون، سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق خانواده، حقوق ارث یا حقوق کار نیز مستثنی شده‌اند. اگرچه این دعاوی از اهمیت بالایی برخوردارند، اما کارگروه معتقد بود که دعاوی یادشده تجاری محسوب نمی‌شوند و برخی هیئت‌های نمایندگی بیان داشتند که این دعاوی برای کشورها حساسیت‌برانگیز است.

پژوهش حاضر از جهت بررسی معاهده سنگاپور به‌عنوان جدیدترین سند بین‌المللی در خصوص حل و فصل اختلافات و تلاش برای تسهیل پذیرش آن در فضای حقوقی کشور به‌وسیله تطبیق مقررات آن با حقوق ایران و فقه امامیه، دارای تازگی و اصالت است و نشان می‌دهد استثناهای مندرج در کنوانسیون به نحوی است که کلیه دغدغه‌های مربوط به حفظ انسجام حقوق داخلی را تأمین نموده، جای هیچ تعلل و تردیدی در الحاق به کنوانسیون یادشده باقی نمی‌گذارد.

وضعیت حقوقی و شرایط اعمال موارد پیش‌گفته از جهت تأثیر در بهره بردن یک سازش‌نامه از حمایت اجرایی کنوانسیون سنگاپور، شایسته بررسی و تدقیق است. همچنین موضع حقوق ایران و فقه امامیه در خصوص این موارد باید مورد تحلیل قرار گیرد. لذا در ادامه، این استثناها در چهار بخش بررسی می‌شوند: سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق خانواده، سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق مصرف‌کننده، سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق کار، و سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق ارث.

۱. سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق خانواده

مطابق پاراگراف «ب» از بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون، سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق خانواده با توجه به فقدان وصف تجاری از محدوده اعمال کنوانسیون خارج شده‌اند. شایان

1. Uncitral Model Law On International Commercial Conciliation 2002.

2. UNCITRAL Model Law on International Commercial Mediation and International Settlement Agreements Resulting from Mediation 2018.

ذکر است در پاراگراف «الف» از بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون، سازش‌نامه‌های مربوط به حل و فصل اختلافات ناشی از معاملاتی که یکی از طرفین برای اهداف خانوادگی یا خانگی منعقد نموده است، نیز از قلمرو کنوانسیون استثنا شده‌اند. در حقوق خانواده^۱ باید رابطه خویشاوندی میان افراد وجود داشته باشد، اما در مسائل خانگی^۲، افراد صرف‌نظر از وجود رابطه خویشاوندی و صرفاً به دلیل زندگی در یک منزل، مشمول قواعد آن می‌شوند. تفکیک این دو اصطلاح در بخش ۲۵۸ قانون مربوط به امور خانگی انگلستان مصوب ۲۰۰۴^۳ بیان شده است. رویکرد کنوانسیون سنگاپور در زمینه استثنا کردن این دعاوی از محدوده اعمال کنوانسیون قابل دفاع به‌نظر می‌رسد، زیرا صرف‌نظر از غیرتجاری بودن این‌گونه دعاوی، در حقوق داخلی کشورها مقررات امری در خصوص دعاوی خانوادگی وجود دارد و این‌گونه دعاوی، موضوع مقررات و فرهنگ‌های مختلف و متضادی هستند.^۴

در متون اسلامی یکی از آداب مورد تحسین قضاوت، تشویق به سازش است و حتی در آثار فقهی از عقد صلح به عنوان سیدالعقود نام برده می‌شود.^۵ در قرآن کریم نیز چهار مرتبه از صلح یاد شده است. سازش در دعاوی خانوادگی در متون اسلامی بسیار تشویق شده و در آیات بسیاری از قرآن کریم (آیه ۱ سوره انفال، آیات ۹ و ۱۰ سوره حجرات، آیات ۳۵ و ۱۲۸ سوره نساء) ضرورت صلح و سازش در دعاوی خانوادگی بیان گردیده است.

در خصوص دعاوی خانوادگی در حقوق ایران سه نهاد مختلف برای ایجاد صلح و

1. Family

2. Household

3. Housing Act 2004

4. Chang-fa, Lo, and Winnie, Jo-Mei M, Draft "Convention on Cross-Border Enforcement of International Mediated Settlement Agreements", Contemporary Asia Arbitration Journal, Vol. 7 No 1, (2014), p 393; Timothy, Schnabel, "The singapore convention on mediation: framework for the cross-border recognition and enforcement of mediated settlements", Pepperdine Dispute Resolution Law Journal, 19(A), (2019), p 23; Uncitral, "Audio Recordings: Working Group HI (Arbitration and Conciliation), 63rd Session", Available at: <<https://icms.unov.org/CarbonWeb/public/uncitral/speakerslog/dfe74c41-404d-4cd9-ad3e-8ab8834a3dcc>>, Accessed at 2019/11/22, (2015); Uncitral, "Audio Recordings: Working Group I (Arbitration and Conciliation), 64th Session", Feb. 2, 2016, available at: <<https://icms.unov.org/CarbonWeb/public/uncitral/speakerslog/16f5401a-84d4-407a-a63b-6511666b2d9>>, Accessed at 2019/11/22, 2016>.

۵. سید روح‌الله، موسوی خمینی، الرسائل، ج ۲، (قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۳، ۱۴۱۰ ق)، ص ۲۶۳؛ حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه الی التحصیل الشریعه، ج ۱۸، (بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱۳۷۲، ۱)، ص ۲۵۷.

سازش میان طرفین پیش‌بینی شده که عبارت‌اند از: داوری، مراکز مشاوره خانواده و شوراهای حل اختلاف. پیش‌بینی چند نهاد موازی، قابل تأمل و مورد انتقاد است.^۱ تمامی نهادهای یادشده صرف‌نظر از عنوان و نحوه اقدامات، با هدف ایجاد سازش میان طرفین دعوا پیش‌بینی شده‌اند. البته شوراهای حل اختلاف در دعاوی خانوادگی با توجه به ماهیت قضایی آن، نقشی مثل دادگاه دارند و نمی‌توان سازش موضوع ماده ۷۷ قانون شوراهای حل اختلاف را به‌عنوان روش جایگزین حل و فصل اختلاف تلقی نمود. سازش‌نامه تنظیمی نزد شوراهای حل اختلاف، وفق ماده ۲۵ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ و ماده ۲۴ آئین‌نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ به‌منزله سازش نزد قاضی و گزارش اصلاحی محسوب می‌شود و لذا از حمایت اجرایی برخوردار است. باید توجه داشت که در هر سه روش یادشده، سازش، روش جایگزین حل و فصل اختلاف نبوده و در واقع مقدمه‌ای برای اتخاذ تصمیم قضایی است. در قانون حمایت خانواده و قانون شوراهای حل اختلاف، با روش حل اختلاف چندلایه مواجه هستیم که لایه اصلی، رسیدگی قضایی است و سازش یکی از لایه‌های قرار گرفته در بستر این طریق حل اختلاف است. لذا اگر زوجین ابتدا دعوی خود را از طریق سازش حل و فصل نمایند، به دلیل عدم ارجاع دعوا از طریق دادگاه و طی نشدن تشریفات قضایی، چنین سازش‌نامه‌ای فاقد اعتبار است.

در خصوص موضع حقوق ایران در به‌کارگیری روش میانجی‌گری در دعاوی مرتبط با حقوق خانواده، باید بین دعاوی داخلی و بین‌المللی تفکیک نمود. در دعاوی داخلی اصولاً با توجه به اطلاق قانون آئین دادرسی مدنی، دعاوی حقوقی از جمله دعاوی خانوادگی (به استثنای دعاوی مشمول ماده ۲۴ قانون حمایت خانواده) می‌توانند از طریق سازش حل و فصل شوند. لذا در صورت تنظیم این‌گونه سازش‌نامه‌ها نزد سردفتر اسناد رسمی (ماده ۱۸۱ قانون آئین دادرسی مدنی) و دادگاه (ماده ۱۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی)، سازش‌نامه‌های یادشده از حمایت اجرایی برخوردار خواهند بود؛ البته حمایت اجرایی یادشده با استثناهایی از

۱. جواد، خالقیان؛ الهه، نوری؛ امید، محمدی، «بررسی امکان تداخل صلاحیت ذاتی دادگاه خانواده با مراجع دیگر»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال هجدهم، ش ۷۲، (۱۳۹۵)، ص ۶۴؛ مصطفی، السان؛ لیلا، نجفی‌زاده؛ مسعود، جلیلی آذر، «بررسی موردی مقررات قانون حمایت از خانواده بر مبنای اصول و قواعد آئین دادرسی مدنی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۸۳، (۱۳۹۷)، ص ۱۵۱.

قبیل دعاوی بطلان و انحلال نکاح و نسب و نیز محدودیت رعایت قواعد امری مواجه است. استثناهای یادشده در ادامه مورد تبیین کامل‌تر واقع می‌شود؛ در ماده ۲۴ قانون حمایت خانواده عنوان شده است: ثبت طلاق و سایر موارد انحلال نکاح و نیز اعلام بطلان نکاح یا طلاق در دفاتر رسمی ازدواج و طلاق حسب مورد پس از صدور گواهی عدم امکان سازش یا حکم مربوط از سوی دادگاه مجاز است. لذا باید توجه داشت با اینکه در مقررات قانون حمایت خانواده بر سازش در دعاوی طلاق و انحلال نکاح تأکید شده، اما در این قانون، سازش به‌عنوان طریق جایگزین حل و فصل اختلافات پیش‌گفته پذیرفته نشده، بلکه به‌عنوان مقدمه‌ای برای اتخاذ تصمیم قضایی قلمداد گردیده است. استثنای دیگری که در بند ۲ ماده ۴۹۶ قانون آئین دادرسی مدنی مشاهده می‌شود عملاً سازش نزد داور را در دعاوی راجع به اصل نکاح و انحلال آن و نسب، از حمایت اجرایی مستثنی می‌کند. علاوه بر این در هر موردی که از روش سازش در دعاوی خانوادگی استفاده می‌شود، باید توجه داشت که مقررات امری حقوق خانواده در تنظیم سازش‌نامه رعایت شود. برای نمونه، در ماده ۱۰۶۹ قانون مدنی و نیز در متون فقهی شرط خیار در نکاح باطل است و اگر طرفین در ضمن عقد شرط کنند که تا مدت معین یکی از طرفین یا هر دو اختیار فسخ نکاح را داشته باشد، چنین شرطی بی‌اثر است.^۱ از نظر فقها^۲ بطلان شرط خیار فسخ در نکاح، امری اجماعی است.

در اختلافات بین‌المللی، با توجه به استثنا شدن دعاوی خانوادگی از قلمرو کنوانسیون سنگاپور، این کنوانسیون بر این‌گونه دعاوی قابل اعمال نیست. البته سازش‌نامه‌های خانوادگی خارجی تنظیمی نزد دادگاه (ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام) و سایر سازش‌نامه‌های خانوادگی رسمی و عادی خارجی (ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی و ماده ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی)، در حقوق ایران لازم‌الاجرا تلقی می‌شوند. شایان ذکر است حمایت از سازش‌نامه‌های خارجی در نظام حقوقی ایران، مشروط به آن است که اولاً مرتبط با بطلان و انحلال نکاح نباشد (ماده ۲۴ قانون حمایت خانواده)؛ ثانیاً در صورت درج سازش‌نامه در رأی داورى مربوط

۱. سید مصطفی، محقق داماد، تحلیل فقهی حقوق خانواده- نکاح و انحلال آن، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ج ۱۶، ۱۳۸۶، ص ۱۸۸.

۲. محمدحسن، نجفی (جواهر الکلام) فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۹، (بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱۰، ۱۴۳۰ ق)، ص ۱۴۹.

به اصل نکاح، انحلال آن یا نسب نباشد (بند ۲ ماده ۴۹۶ قانون آئین دادرسی مدنی) و ثالثاً محتوای سازش نامه با مقررات امره نظام حقوقی ایران مغایر نباشد (سازش نامه های تنظیمی نزد دادگاه خارجی: ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده و ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام و سازش نامه های رسمی یا عادی خارجی: ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی). لذا مصادیق اعطای قابلیت اجرایی به سازش نامه های بین المللی در خصوص دعاوی خانوادگی در حقوق ایران بسیار محدود است و از این جهت، موضع حقوق ایران هم راستا با موضع کنوانسیون سنگاپور قلمداد می شود.

۲. سازش نامه های مربوط به حقوق مصرف کننده

گسترش تجارت الکترونیکی باعث افزایش اختلافات بین المللی در حیطه مسائل مربوط به مصرف کننده شده است و استفاده از روش میانجی گری در خصوص این گونه دعاوی در حال گسترش است.^۱ در عین حال، در پاراگراف «الف» از بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون، دعاوی مصرف کننده از محدوده اعمال کنوانسیون خارج شده اند. اشاره به عبارت مصرف کننده در پاراگراف یاد شده به منظور شفاف سازی بوده است، زیرا برخی هیئت های نمایندگی عبارت شخصی را کافی نمی دانستند. با استثنا کردن دعاوی مربوط به مصرف کننده، هیئت های نمایندگی به دنبال جلوگیری از ایجاد مشکلات آنسیترال در مذاکرات قبلی کارگروه در خصوص حل و فصل اختلافات آنلاین بودند که مذاکرات در خصوص امکان انعقاد توافق نامه داوری از سوی مصرف کننده به بن بست رسید.^۲ بنابراین کارگروه از همان ابتدا دعاوی مصرف کننده را از محدوده کنوانسیون خارج کرد تا از شمول کنوانسیون نسبت به مسائل مربوط به حمایت از مصرف کننده جلوگیری نماید. چنین رویکردی باعث استثنا کردن

1. Nadja, Alexander, "Ten Trends in International Mediation", Singapore Academy of Law Journal, V. 31, (2019), pp 408-410.
2. Brand, R. A, "Party autonomy and access to justice in the uncitral online dispute resolution project", Loyola University Chicago International Law Review, 10(A), 11-36, (2012), p 36; Uncitral, "Audio Recordings: Working Group HI (Dispute Settlement), 65th Session", Sept. 16, 2016, available at: <<https://icms.unov.org/CarbonWeb/public/uncitral/speakerslog/aa875fca-el3c-49db-83f7-820bbe6dfe74>>, (2016); Veronika, Vanišová, "Current Issues in International Commercial Mediation: Short Note on the Nature of Agreement Resulting from Mediation in the light of the Singapore Convention", Charles University In Prague Faculty Of Law, Prague Law Working Paper Series, Available at: <https://ssrn.com/abstract=3413560>, Accessed at 2019/11/22, (2019), 8.

نوع خاصی از دعاوی می‌شود که نامتعادل بودن قدرت چانه‌زنی طرفین سازش‌نامه، باعث عدم تمایل برخی کشورها به اعمال کنوانسیون برای اجرای سازش‌نامه‌های یادشده می‌شود.^۱

این کنوانسیون منکر امکان سازش در خصوص حقوق مصرف‌کننده نیست، اما وظیفه و مسئولیت خود نمی‌داند که در مورد آن بحث کند، زیرا از آنجایی که این کنوانسیون راجع به سازش تجاری بین‌المللی است، انتظار نمی‌رود مشمول موضوعاتی شود که تجاری محسوب نمی‌شوند.

پرسشی که جای بحث و بررسی دارد آن است که با چه معیاری می‌توان تشخیص داد که قرارداد خاصی جزء قراردادهای مصرف‌کننده محسوب می‌شود یا خیر؟ به گفته برخی نویسندگان^۲ معیار تعیین قرارداد مصرف‌کننده، ضابطه‌ای شخصی است؛ به این معنا که هدف و منظور خریدار در زمان انعقاد قرارداد ملاک است و وصف و ماهیت موضوع قرارداد تأثیری ندارد. همچنین به بیان برخی نویسندگان^۳ ملاحظات عملی اقتضا می‌کند که خریدار اثبات نماید کالا را برای مقاصد مصارف شخصی، خانوادگی یا خانگی خریداری کرده است.

به‌طور کلی در اکثر نظام‌های حقوقی، قراردادهای منعقد شده میان مصرف‌کننده و تولیدکننده یا فروشنده، نسبت به حقوق قراردادهای دارای قواعدی خاص و ویژه است. دلیل أخذ چنین رویکردی اینست که مصرف‌کننده برای تهیه کالا و خدمت موردنیاز خود ناگزیر به رجوع به تولیدکننده یا فروشنده است. فروشنده یا تولیدکننده با توجه به داشتن اطلاعات بیشتر نسبت به کیفیت کالا و خدمت ارائه‌شده و توانایی مالی افزون‌تر، می‌تواند اراده خود را بر مصرف‌کننده تحمیل نماید. لذا قواعد عمومی حقوق خصوصی قادر نیست که به نحو مؤثر حمایت‌های لازم را از مصرف‌کننده معمول دارد، چراکه فرض اولیه اصل حاکمیت اراده، بر

1. Timothy, Schnabel, Ibid, p 24; Uncitral, "Audio Recordings: Working Group HI (Dispute Settlement), 65th Session", Miglè, Žukauskaitė, "Enforcement of Mediated Settlement Agreements", Vilnius University Press, Vol. 111, (2019), p 212.

۲. سید حسین، صفایی؛ محمد، کاظمی؛ مرتضی، عادل؛ اکبر، میرزائزاد، حقوق بیع بین‌المللی بررسی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰، با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۴، ۱۳۹۲)، ص ۸.
 ۳. مهرباب، داراب‌پور، تفسیری بر حقوق بیع بین‌الملل کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، ج ۱، (تهران: انتشارات گنج دانش، چ ۲، ۱۳۹۱)، ص ۱؛ ابراهیم، شعاریان و فرشاد، رحیمی، حقوق بیع بین‌الملل، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چ ۱، ۱۳۹۳)، ص ۷۲.

مبنای تساوی طرفین قرارداد است که در این نوع قراردادها چنین موضوعی منتفی است. همچنین راه‌حل‌های حقوق خصوصی مستلزم اقامه دعوا در دادگاه‌ها، اثبات تقصیر تولیدکننده، گرفتار شدن در تشریفات متعدد قضایی بوده و گاهی خسارت ادعایی برای مصرف‌کننده به قدری ناچیز است که اقامه دعوا برای وی به صرفه نیست.^۱ البته همان‌طور که برخی صاحب‌نظران^۲ اشاره کرده‌اند، نباید در حمایت از مصرف‌کننده به قدری افراط کرد که تولیدکننده نیز ادامه فعالیت اقتصادی خود را مقرون به‌صرفه نداند.

چنین رویکردی را در منابع و متون فقه اسلامی نیز می‌توان مشاهده نمود. حمایت از حقوق مصرف‌کننده در فقه برابر قواعدی چون خیار عیب، تضمین ضمنی قرارداد و قواعد مسئولیت مدنی مانند اتلاف و لاضرر صورت می‌گیرد.^۳ در متون فقهی مشاهده می‌شود که شارع در برخی موارد به سبب حرفه‌ای نبودن، از شخصی حمایت کرده است. برای مثال در بیع «تلقى الجلب» یا «تلقى الרכبان» مشتری کالا را از خریدار، قبل از ورود به شهر و آگاهی از قیمت آن در شهر، خریداری می‌کند. در این حالت، شارع حق استفاده از خیار غبن را به فروشنده داده است^۴، زیرا نسبت به خریدار در وضعیت ضعیف‌تری قرار دارد و اطلاع دقیقی از قیمت کالای خود در آن شهر ندارد. برآورده کردن نیازهای عمومی برای شارع اسلامی اهمیت فراوانی داشته و در قواعدی مثل تحریم ربا و نهی از احتکار، بر این موضوع تأکید شده است. همچنین سوءاستفاده تولیدکننده از مصرف‌کننده، مصداق بارز تصاحب

۱. احد، باقرزاده، «ضرورت رویکرد نظری حقوق مصرف‌کننده به حقوق بشر»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۴۶، (۱۳۸۳)، ص ۱۵۱؛ محمدرضا، آزادی، حقوق کاربردی مصرف‌کننده، (تهران: انتشارات مجد، ج ۱، ۱۳۹۱)، ص ۲۱۲۳؛ مریم، فرهادی، «نقد و بررسی تطبیقی قوانین حمایت از مصرف‌کننده با حقوق کشور فرانسه»، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه اصفهان، ش ۴، (۱۳۸۷)، صص ۲۰۶-۲۰۷؛ مهربان، داراب‌پور، «بررسی ماهوی حقوق مصرف‌کنندگان در حقوق انگلستان و ضرورت اصلاح کاستی‌های حمایتی از آنان در حقوق ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۴۸ (۱۳۸۷)، ص ۵۵؛ رؤف، رهنمون و اسعد، شیخ‌الاسلامی، «حمایت از حقوق مصرف‌کننده و قلمرو آن در فقه شافعیان و امامیه»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهارم، ش ۱ (۱۳۹۰)، ص ۹۴؛ احمد، یوسف‌زاده و علی‌رضا، باریکلو، «نقش دعاوی گروهی در حمایت از مصرف‌کننده»، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره جدید، سال بیست و چهارم، (۱۳۹۶)، ص ۵.

۲. ناصر، کاتوزیان، مسئولیت ناشی از عیب تولید، (تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱، ۱۳۸۱)، صص ۱۷-۱۸.

۳. ابوالقاسم نجم‌الدین جعفرین حسن، حلی (محقق حلی)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، (قم: انتشارات اسماعیلیان، ج ۱، ۱۴۰۹ ق)، ص ۲۹۱؛ حسن‌بن یوسف، حلی (علامه حلی)، قواعد الاحکام، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱، ۱۴۱۸ ق)، صص ۷۲ و ۳۸۴.

۴. ابوالقاسم نجم‌الدین جعفرین حسن، حلی (محقق حلی)، پیشین، ص ۲۷۵.

اموال دیگران به صورت نارواست که در آیه ۲۹ سوره نساء نهی شده است.^۱

فراهم کردن کالاها و خدمات برای مصرف‌کنندگان به صورت سالم و بی‌عیب در اسلام اهمیت فراوانی دارد. این توجه در شرایط یادشده برای مبیع مشاهده می‌شود که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در بحث طهارت عین مبیع، داشتن قابلیت انتفاع^۲ و پیش‌بینی عامل حسبه (محتسب) برای مشخص کردن ضوابط و استانداردهایی برای عرضه کالاها در بازار^۳ ملاحظه نمود. گروهی از فقها^۴ معتقدند برای استفاده از خیار عیب لازم نیست که سالم بودن به‌عنوان یکی از شروط بیع عنوان شود، زیرا سالم بودن مطلوب هر مشتری است و در صورت فقدان آن رضایت مشتری مختل می‌شود؛ بنابراین سالم بودن یکی از شرایط بیع است. پیامبر گرامی (ص) می‌فرماید: خریدار و فروشنده اگر صادق باشند و حقیقت را در مورد کیفیت کالا و قیمت بیان کنند، خداوند در دادوستد آن‌ها برکت قرار می‌دهد و اگر پنهان‌کاری و دروغ‌گویی پیشه کنند، برکت دادوستد آن‌ها نابود می‌شود.^۵

لذا با توجه به رویکرد حمایت‌گرانه موجود در متون فقهی از مصرف‌کننده و با توجه به مقرون به صرفه نبودن استفاده از روش‌های ترافیعی برای حل و فصل اختلافات، باید سازش‌نامه‌های تنظیمی میان مصرف‌کننده و تولیدکننده معتبر شناخته شوند. به همین دلیل است که در متون فقهی در خصوص عقد صلح یا سازش، این‌گونه قراردادها از شمول اعتبار خارج نشده‌اند. لذا با توجه به شرایط خاص مصرف‌کننده به‌نظر می‌رسد به رسمیت شناختن سازش‌نامه‌های تنظیمی در این‌گونه مسائل از لحاظ فقهی نیز مطلوب است.

در نظام حقوقی ایران، در مواد ۱۷۸ به بعد قانون آئین دادرسی مدنی، میان سازش در دعاوی تجاری و غیرتجاری تفکیکی مقرر نشده است، زیرا دعاوی تجاری در حال حاضر

۱. رثوف، رهنمون و اسعد، شیخ‌الاسلامی، پیشین، ص ۸۱

۲. محمد، عاملی (شهید اول)، *اللمعة الدمشقیة*، (قم: دارالفکر، ج ۱، ۱۴۱۱ ق)، ص ۹۲.

۳. رهنمون، رثوف و شیخ‌الاسلامی، اسعد، پیشین، ص ۸۲.

۴. سید محمدصادق، حسینی روحانی، *منهاج الفقاهة*، (قم: چاپخانه یاران العلمیة سپهر، ج ۱، ۱۴۱۸ ق)، ص ۷۸؛ مصطفی، زرقاء، *المدخل الفقهی العام*، (دمشق: چاپخانه الفباء الادیب، ج ۱، ۱۹۶۷ م)، ص ۳۹۷.

۵. محمدبن اسماعیل، بخاری، *صحیح البخاری*، (بیروت: دارالفکر، ج ۱، ۱۴۰۱ ق)، ص ۱۰؛ میرزا حسین، نوری، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، (بیروت: مؤسسه آل‌البیته (ع) لاحیاء التراث، ج ۱، ۱۴۰۸ ق)، ص ۲۹۸.

دارای آئین رسیدگی خاصی نیستند و قانون آئین دادرسی مدنی در مورد این‌گونه دعاوی شمول و حاکمیت دارد. الحاق ایران به کنوانسیون سنگاپور با متن فعلی و در شرایط حاضر باعث خواهد شد که نه‌تنها سازش‌نامه‌های حقوق داخلی در خصوص حقوق مصرف‌کننده در اغلب موارد همچنان از حمایت کافی برخوردار نباشند، بلکه به علت قلمرو محدود کنوانسیون یادشده، الحاق ایران به معاهده پیش‌گفته نیز همچنان نتواند مشکل حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق مصرف‌کننده را مرتفع سازد. به همین جهت اگر نظام حقوقی ایران تمایل دارد که به مزیت‌های سازش‌توجه کند، باید این خلأ کنوانسیون سنگاپور را در خصوص دعاوی مصرف‌کننده به طریق دیگری جبران نماید و به‌موجب مقرراتی که وضع می‌کند از سازش‌نامه‌های مربوط به مصرف‌کننده حمایت کند. اتفاقاً برای مصرف‌کننده نیز منطقی نیست که برای چنین اختلافاتی که ممکن است ناشی از خرابی یک کالای نه‌چندان گران‌قیمت باشد، فرایند رسیدگی طولانی قضایی را طی کند و اگر مصرف‌کننده اطمینان داشته باشد که سازش‌نامه‌ای که خارج از فرایند داوری و دادرسی تنظیم نموده است، مورد حمایت اجرایی قرار خواهد گرفت، به احتمال زیاد طریق میانجی‌گری را ترجیح خواهد داد. لذا ایجاد امکان استفاده از طریق سازش با رویکرد کلی حمایت از مصرف‌کننده همخوانی بیشتری دارد و از این جهت، موضع کنوانسیون سنگاپور مبنی بر مستثنی نمودن سازش‌نامه‌های راجع به حقوق مصرف‌کننده، قابل انتقاد به‌نظر می‌رسد.

در ماده ۲۰ آئین‌نامه اجرایی قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۹۰ عنوان شده است که «انجمن باید تمام تلاش خود را جهت سازش طرفین شکایت، راجع به خسارات مالی ناشی از ارتکاب تخلف به‌عمل آورده و ظرف پانزده روز از تاریخ دریافت شکایت، نسبت به حل و فصل اختلاف اقدام نماید». همچنین در ماده ۲۱ آئین‌نامه یادشده آمده است: «چنانچه طرفین شکایت در انجمن حاضر به سازش گردند، مفاد سازش در جلسه انجمن صورتجلسه شده و طرفین موظفند مطابق مفاد سازش‌نامه تنظیمی عمل کنند». متأسفانه قانون‌گذار علی‌رغم وضع مقررات پیش‌گفته در خصوص استفاده از روش سازش در دعاوی مصرف‌کننده، هیچ مقرراتی برای حمایت اجرایی از این سازش‌نامه‌ها پیش‌بینی نکرده است

و این نوع سازش‌نامه‌ها صرفاً ارزش یک قرارداد عادی را دارند. در صورت استنکاف یکی از طرفین از اجرای مفاد سازش‌نامه، طرف مقابل چاره‌ای جز تقدیم دادخواست به مراجع قانونی ندارد. البته مواد یادشده بیانگر این است که نظام حقوقی ایران اصل امکان استفاده از روش سازش در دعاوی مصرف‌کننده را پذیرفته است. شایسته است قانون‌گذار حسب تأکیدات فقهی یادشده، نه در آئین‌نامه اجرایی که شأن تقنینی ندارد، بلکه در مقررات قانونی، حمایت اجرایی از سازش‌نامه تنظیمی در دعاوی مصرف‌کننده را مقرر دارد. البته سازش‌نامه موضوع مواد ۲۰ و ۲۱ آئین‌نامه یادشده، بایستی در نزد انجمن حمایت از مصرف‌کننده تنظیم شده باشد. تا زمان اصلاح مقررات، پیشنهاد می‌شود طرفین، سازش‌نامه تنظیمی نزد انجمن را در قالب مواد ۱۷۸ به بعد قانون آئین دادرسی مدنی نزد دادگاه‌ها یا شوراهای حل اختلاف ثبت نمایند تا از حمایت اجرایی برخوردار شود.

۳. سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق کار

مطابق پاراگراف «ب» از بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون، سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق کار از محدوده اعمال این کنوانسیون استثنا شده‌اند. به نظر می‌رسد استثنای یادشده نیز به علت عدم توازن قدرت قراردادی بین کارفرما و کارگر بوده است و مقررات حقوق کار در تمامی نظام‌های حقوقی جنبه حمایتی و آمره دارد. این درحالی است که در حل و فصل اختلافات دعاوی کار، استفاده از روش سازش یا میانجی‌گری برای طرفین دعوا مطلوب‌تر است، زیرا کارگر دارای موقعیتی آسیب‌پذیر است و به دریافت حقوق برای امرار معاش نیاز دارد. از طرف دیگر، کارفرما باید فعالیت خود را ادامه دهد تا حیات اقتصادی خود را حفظ کند. حل و فصل اختلاف از طریق روش‌های توافقی با توجه به تشریفات، هزینه و اطاله رسیدگی مناسب نیست و از طرفی موجب رکود و وقفه در فعالیت کارگاه می‌شود. همچنین صرف صدور حکم نمی‌تواند آرامش را در کارگاه به ارمغان بیاورد اما به‌وسیله سازش میان طرفین، تداوم کار، حفظ آرامش و ثبات در کارگاه محقق می‌شود. به همین دلیل در نظام حقوقی ایران، مراجع حل اختلاف کار با توجه به ضرورت برقراری سازش میان کارگر و کارفرما، تمایلی به صدور دستور موقت و قرارهای تأمینی ندارند، زیرا چنین اقداماتی باعث ایجاد

تنش و مانع حصول سازش میان طرفین دعوا می‌شود.^۱ به علاوه کارفرمایی که دعاوی متعددی علیه وی از سوی کارگران مطرح شده باشد، اعتبار کمتری در محیط‌های تجاری و اقتصادی خواهد داشت و کارگری که علیه کارفرمای خود اقامه دعوا کرده باشد، ممکن است در کسب موقعیت شغلی جدید با مشکلاتی روبه‌رو شود.

سازش در اختلافات کار در اسناد و قوانین بسیاری از کشورها، مرحله اول حل اختلاف است که مطلوب‌ترین و قابل قبول‌ترین راهکار را برای طرفین به ارمغان می‌آورد، زیرا علاوه بر سریع‌تر و ارزان‌تر بودن، طرفین با رضایتی دوطرفه اختلاف را بین خود حل می‌کنند که به روابط آن‌ها آسیبی وارد نمی‌سازد. در اسناد سازمان بین‌المللی کار نیز سازش دارای جایگاهی خاص و ویژه است. مهم‌ترین مقاله‌نامه در این زمینه، مقاله‌نامه شماره ۸۴ است. ماده ۶ سند یادشده برای جلوگیری از اختلاف میان کارگران و کارفرمایان، روش سازش جهت حل و فصل اختلافات را به رسمیت می‌شناسد. حتی در بند چهارم ماده یادشده به کارگیری اشخاصی به‌طور خاص برای تشویق طرفین به سازش و مدیریت فرایند سازش پیش‌بینی شده است. ماده ۷ نیز بر ضرورت سرعت این فرایند و حضور نمایندگان سازمان‌های کارگری و کارفرمایی تأکید دارد. در مقاله‌نامه شماره ۱۵۱ نیز در ماده ۸ در باب حل و فصل اختلافات، مذاکره بین طرفین یا سازوکاری بی‌طرف و مستقل همچون میانجی‌گری، سازش و داوری پیش‌بینی شده است. در توصیه‌نامه شماره ۱۳۰ در بند دوم برای حل اختلافات، راهکار سازش یا داوری از سوی مقامات عمومی صلاحیت‌دار پیشنهاد شده است. توصیه‌نامه شماره ۹۲ نیز بر سازش داوطلبانه، و نه اجباری، تأکید دارد.^۲

در حقوق ایران بر امکان سازش در دعاوی کار تأکید شده است. در قوانین کار مصوب ۱۳۲۸، ۱۳۳۷ و ۱۳۶۹، سازش به‌عنوان مرحله اولیة حل اختلاف و قبل از ارجاع دعوا به اداره کار پیش‌بینی شده است. باوجود به رسمیت شناختن سازش به‌عنوان روش حل و فصل

۱. احمد، رفیعی، حل اختلاف کار در نظام حقوقی ایران در پرتو اصول دادرسی منصفانه، پایان‌نامه دکتری رشته حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۱۳۹۰، صص ۱۱۳-۱۱۴.

۲. سعیدرضا، ابدی و حامد، ادیبیان، «مطالعه‌ای تطبیقی در ساختار و نظام دادرسی کار ایران و برخی کشورهای اروپایی»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، ش ۲ (۱۳۹۵)، صص ۳۹۵-۳۹۷؛ عزت‌الله، عراقی، حقوق بین‌المللی کار، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۶۷)، ص ۵۱۵.

اختلافات میان کارفرما و کارگر در ماده ۱۵۷ قانون کار مصوب ۱۳۶۹، قانون یادشده، تشریفات و نحوه انجام سازش را مشخص نکرده است.^۱

ماده ۷۱ آئین‌نامه آئین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲ هم با تأکید بر این امر مقرر می‌دارد که «سازش طرفین در هر مرحله از رسیدگی امکان‌پذیر است. این سازش چنانچه در جلسه رسیدگی حاصل گردد مرجع رسیدگی‌کننده بر اساس سازش حاصله رأی صادر می‌نماید؛ چنانچه طرفین در خارج از جلسه رسیدگی و با تنظیم سند رسمی به سازش رسیده باشند، مرجع رسیدگی‌کننده بر اساس سازش‌نامه مذکور مبادرت به انشای رأی می‌نماید و چنانچه سازش غیررسمی صورت پذیرفته باشد، مرجع رسیدگی‌کننده با احراز صحت سازش‌نامه انشای رأی خواهد کرد». وفق ماده یادشده، سازش‌نامه میان کارگر و کارفرما خواه در جلسه رسیدگی و خواه خارج از آن منعقد شده باشد، پذیرفته می‌شود و مرجع رسیدگی‌کننده بر اساس آن، رأی صادر خواهد کرد.

برخی نویسندگان^۲ معتقدند که این‌گونه سازش در ماده ۱۵۷ قانون کار جنبه امری نداشته و تکمیلی است. به‌علاوه برخی^۳ عنوان کرده‌اند که با توجه به فقدان مکانیزم قانونی در خصوص سازش، اگر سازش در دعاوی کار را امری تلقی کنیم، مشکلاتی ایجاد می‌شود. برای مثال، کارفرمایان با سوءاستفاده از بی‌سوادی کارگران، از امضای برگه عدم سازش و ارسال آن خودداری کنند و در نتیجه حق دادخواهی کارگر را با مشکل مواجه سازند. اما به‌نظر می‌رسد با توجه به متن ماده که بیان می‌دارد: در صورت عدم سازش، دعوا از طریق هیئت‌های تشخیص و حل اختلاف رسیدگی و حل و فصل خواهد شد، طی شدن فرایند سازش، شرط طرح پرونده اختلافی فی‌مابین کارگر و کارفرما در مراجع یادشده است؛ هرچند رویه عملی مراجع یادشده چنین الزامی را شناسایی نکرده است.

در مورد دعاوی کار اگر سازش‌نامه با رعایت مقررات قانونی نزد مراجع اداره کار تنظیم گردد، همانند آرای صادره از سوی مراجع اداره کار، معتبر و دارای حمایت اجرایی است. در صورتی که سازش‌نامه‌ای نزد مراجع اداره کار در حقوق داخلی تنظیم نشود و حداقل‌های

۱. احمد، رفیعی، قانون کار در نظم حقوقی کنونی، (تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بینه، چ ۱، ۱۳۹۳)، ص ۷۹۴.

۲. ابوالفضل، رنجبری، حقوق کار، (تهران: انتشارات مجد، چ ۹، ۱۳۸۸)، ص ۱۵۷.

۳. احمد، رفیعی، حل اختلاف کار در نظام حقوقی ایران در پرتو اصول دادرسی منصفانه، صص ۱۱۳-۱۱۴.

مقرر در حقوق کار را رعایت نکند، به دلیل مخالفت با نظم عمومی باطل است.

حمایت از کارگر اقتضا می‌کند که قواعد حقوق کار آمرانه تلقی شده، جزء نظم عمومی اجتماعی محسوب شوند، زیرا زندگی اجتماعی کارگران و سایر افراد اجتماع تحت تأثیر قواعد حقوق کار قرار دارد؛ به این معنا که عدول از قواعد یادشده، با توافق طرفین و فقط در جهت منافع کارگر میسر است. حقوق کارگران برابر قانون کار، جنبه حداقلی دارد و حتی با توافق کارگر نیز نمی‌توان مزایای کمتری را برای وی در نظر گرفت. آمره بودن جنبه نسبی دارد و در صورتی که توافقی به نفع کارگر باشد، مخالف نظم عمومی نبوده و معتبر است. دلیل این امر تفاوت جایگاه کارگر و کارفرما و اختلاف قابل ملاحظه آنها در انتفاع از فعالیت کاری است. کارگر در روابط کار دارای جایگاهی ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر بوده، لذا توازن قوا بین طرفین همواره به نفع کارفرما است و اگر بدون آگاهی کارگر از آنچه قانوناً به وی تعلق گرفته، سازشی حاصل شود، این سازش اعتبار ندارد و رافع مسئولیت کارفرما نخواهد بود.^۱ در فقه امامیه نیز آمره بودن قواعد حمایت از کارگر از جمله رعایت حداقل دستمزد^۲ به وضوح مشاهده می‌شود.

از لحاظ فقهی نباید در سازش میان کارگر و کارفرما، از وضعیت برتر کارفرما و آسیب‌پذیری کارگر سوءاستفاده شود و لذا صحت چنین سازشی با توجه به قاعده نفی عسر و حرج محل تردید است، زیرا حکم به صحت چنین سازش‌نامه‌ای باعث ایجاد سختی غیرقابل توجیهی برای کارگر می‌شود. طبق قاعده نفی عسر و حرج، در اسلام هیچ‌گونه حکمی که انسان را به دشواری و مشقت وادارد به طوری که او را از آن گریزی نباشد، وجود ندارد.^۳

۱. احمد، رفیعی، حقوق کار، (تهران: انتشارات فکرسازان، ج ۲، ۱۳۹۵)، صص ۶۹-۷۲؛ عزت‌الله، عراقی، حقوق کار، ج ۱، (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ج ۸، ۱۳۸۷)، صص ۲۴-۲۷؛ احمد، رفیعی، قانون کار در نظم حقوقی کنونی، ص ۱۱؛ آزاده سادات، طاهری، «بی اعتباری سازش بدون آگاهی کارگر از حقوق خود»، فصلنامه رأی مطالعات آرای قضایی، ش ۱۱ (۱۳۹۴)، صص ۹۸-۱۰۲.

۲. زین‌الدین، الجبلی العاملی (شهید ثانی)، *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، ج ۲، (قم: انتشارات دارالتفسیر، ج ۱۲، ۱۳۹۱)، ص ۲۷۲.

۳. عباسعلی، عمید زنجانی، *قواعد فقه بخش حقوق خصوصی*، ج ۱، (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ج ۱، ۱۳۸۶)، ص ۷۴؛ محمدبن حسن، حر عاملی، *وسائل الشیعه الی التحصیل الشریعه*، ج ۵، (بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱، ۱۳۷۲)، ص ۳۴۹؛ محمدبن حسن، حر عاملی، *وسائل الشیعه الی التحصیل الشریعه*، ج ۴، (بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱، ۱۳۷۲)، ص ۴.

در مجموع، متون فقهی انعقاد سازش‌نامه در دعوی کارگر و کارفرما را نهی نمی‌کنند و سازش در مورد این‌گونه دعاوی جایز است. اما حسب رویکرد حمایتی موجود در متون فقهی از کارگر، باید توجه شود که سازش‌نامه نباید باعث عسر و حرج کارگر شده یا موجب گردد که کارگر نتواند نیازهای روزانه خود را برطرف سازد.

در ماده ۷۲ آئین‌نامه آئین دادرسی کار نیز شرط رعایت قواعد آمره برای اعتبار سازش‌نامه میان طرفین این‌چنین ذکر شده است: «رعایت قواعد آمره در ارتباط با سازش الزامی است». در بند ۱۱ ماده ۱ آئین دادرسی کار، قواعد آمره چنین تعریف شده است: «قواعد آمره، قواعدی هستند که با توافق نیز نمی‌توان از اجرای آن‌ها خودداری نمود؛ از قبیل رعایت حداقل مزد قانونی (موضوع تبصره ماده ۴۱ قانون کار) و رعایت حداکثر ساعات قانونی کار (موضوع تبصره ۱ ماده ۵۱ قانون کار)».

در خصوص داوری دعاوی کار به‌عنوان یکی دیگر از روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات، برخی نویسندگان^۱ بیان داشته‌اند: وفق ماده ۴۵۵ قانون آئین دادرسی مدنی امکان ارجاع دعوا به داوری وجود داشته، قانون کار نیز مخالفت صریحی با آن ندارد. همچنین مواد قانون آئین دادرسی مدنی در خصوص داوری عام است و مشمول دعاوی کار نیز می‌شود. اما در مقابل، برخی^۲ بیان داشته‌اند که با توجه به ارتباط دعاوی کار با نظم عمومی، امری بودن قواعد آن و لزوم اطمینان از رعایت حقوق حداقلی کارگران و صلاحیت ذاتی مراجع اداره کار، به‌نظر می‌رسد باید اختلافات کارگری و کارفرمایی صرفاً از طریق شیوه‌های یادشده در قانون کار حل و فصل شود و لذا امکان ارجاع به داوری در این‌گونه دعاوی منتفی است.

در مجموع، مفاد ماده ۷۱ آئین‌نامه آئین دادرسی کار نشان می‌دهد که مقررات یادشده از سازش‌نامه‌های منعقد فی‌مابین کارگر و کارفرما حمایت بیشتری نسبت به مقررات قانون آئین دادرسی مدنی نموده است، زیرا مطابق ماده ۱۸۳ قانون پیش‌گفته، سازش‌نامه عادی لازم‌الاجرا محسوب نمی‌شود ولو آنکه صحت و اصالت آن برای دادگاه محرز گردد، بلکه

۱. محمد، براتی‌نیا، دیدگاه‌های نو در حقوق کار، (تهران: انتشارات فکرسازان، چ ۱، ۱۳۸۲)، ص ۱۴۴.

۲. احمد، رفیعی، حل اختلاف کار در نظام حقوقی ایران در پرتو اصول دادرسی منصفانه، صص ۲۱۷-۲۱۸؛ احمد، رفیعی، قانون کار در نظم حقوقی کنونی، ص ۷۹۶.

چنین سازش‌نامه‌ای تنها در صورتی وصف لازم‌الاجرا می‌یابد که طرفین در دادگاه حضور یافته، نسبت به آن اقرار نمایند. این درحالی است که ماده ۷۱ آئین‌نامه آئین دادرسی کار حضور طرفین را در مراجع اداره کار ضروری ندانسته، صرف اثبات صحت سازش‌نامه عادی را جهت لازم‌الاجرا تلقی نمودن آن کافی می‌داند. وضعیت یادشده نشان‌دهنده آن است که عملاً مقررات ایران سازش‌نامه‌های دعاوی کار را مورد حمایت جدی‌تری نسبت به سایر انواع سازش‌نامه‌ها قرار داده است. به این ترتیب و با توجه به اینکه سازش نسبت به طرق ترافیعی حل اختلاف، هزینه کمتر، امنیت شغلی بیشتر و سرعت مطلوب‌تری برای کارگر ایجاد می‌کند، موضع مقررات ایران نسبت به مفاد کنوانسیون سنگاپور، قابل دفاع‌تر به نظر می‌رسد.

۴. سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق ارث

مطابق پاراگراف «ب» از بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون، سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق ارث نیز از شمول مقررات کنوانسیون استثنا شده‌اند، زیرا با توجه به ماهیت مسائل یادشده، در اجرای این سازش‌نامه‌ها از سوی کشورها تردیدها یا حتی مقاومت‌هایی وجود دارد.^۱ علت عدم اکتفا به مستثنی نمودن دعاوی خانوادگی و تصریح به حقوق ارث به‌عنوان یکی دیگر از استثنای شمول کنوانسیون، این است که در برخی کشورها حقوق ارث جزئی از حقوق خانواده شمرده می‌شود و در برخی کشورها مجزا است.^۲

این موضع کنوانسیون سنگاپور با رویکرد حقوق ایران تطابق دارد، زیرا در حقوق ایران نیز مسائل مربوط به حقوق ارث به نحوی مرتبط با نظم عمومی تلقی می‌شوند و طبیعتاً اگر سازش‌نامه در این موضوعات منطبق با ساخت حقوقی کشوری دیگر تنظیم شده باشد، در نظام حقوقی ایران مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. مقررات ارث در حقوق ایران، دارای وصف آمره است و به اراده اشخاص تغییر نمی‌کند. اموال به‌جامانده از متوفی به‌طور قهری به خویشاوندان نزدیک‌تر او منتقل می‌شود. همچنین هیچ‌یک از مورث و وارث نمی‌تواند با

1. Chang-fa, Lo, "Desirability of a New International Legal Framework for Cross-Border Enforcement of Certain Mediated Settlement Agreements", *Contemporary Asia Arbitration Journal*, Vol. 7 No 1, (2014), p 131.

2. Timothy, Schnabel, *Ibid*, p 24; Miglè, Žukauskaitė, *Ibid*, p 212.

توافق، در میزان سهام وراثت تغییری ایجاد کند. چنین موضوعی در ماده ۸۳۷ قانون مدنی منعکس شده است.^۱

اگر قرار بود با الحاق ایران به کنوانسیون سنگاپور چنین سازش‌نامه‌هایی مورد حمایت قرار بگیرند، این مسئله چالشی در الحاق ایران به کنوانسیون سنگاپور تلقی می‌شد. لذا کنوانسیون نیز با استثناکردن چنین دعاوی از محدوده اعمال خود، مانع بروز چنین مشکلاتی شده است. در عین حال در حقوق داخلی در موضوعات مربوط به حقوق ارث نمی‌توان سازش‌نامه تنظیم نمود، زیرا ارث از اسباب تملک قهری است و توافق‌پذیر نیست تا با اراده بتوان مقررات ارث را تغییر داد. شایان ذکر است پس از اینکه شخص به موجب مقررات ارث حقوق و تعهداتی پیدا کرد، می‌تواند نسبت به مسائل یادشده سازش‌نامه تنظیم نماید، اما با سازش‌نامه نمی‌توان مقررات ارث را تغییر داد.

اصل حاکمیت اراده در انتخاب قانون حاکم بر حقوق ارثیه از سوی اشخاص در کنوانسیون لاهه ۱۹۸۹ پذیرفته شده است. مطابق این کنوانسیون، اگر شخصی بخواهد ارثیه خویش را تابع قانون کشوری نماید، مشروط بر اینکه وی در کشور یادشده اقامتگاه یا محل سکونت متعارفی داشته باشد، انتخاب قانون آن کشور ممکن و مجاز است. چنین رویکردی با مواد ۶ و ۷ قانون مدنی ایران که حقوق ارثیه و احوال شخصیه را حسب تابعیت تعیین می‌کند، مغایرت دارد.^۲ برخی حقوق‌دانان^۳ در خصوص امری یا تکمیلی بودن قواعد حل تعارض راجع به ارث، به امری بودن قواعد حل تعارض پیش‌گفته نظر دارند و با تمسک به «تابعیت قاعده حل تعارض از قاعده مادی یا ماهوی» این‌گونه استدلال می‌کنند که با توجه به اینکه قواعد مادی ارث، ازدواج، طلاق و به‌طور کلی احوال شخصیه جنبه امری دارند و امکان تراضی اشخاص خصوصی برخلاف آنها متصور نیست، قاعده حل تعارض راجع به این دسته ارتباط نیز جنبه امری دارد. بنابراین اشخاص نمی‌توانند برخلاف قانون ملی یا متبوع خود ازدواج کنند یا طلاق بگیرند و یا معارض با آن وصیت کنند یا اینکه ماترک را برخلاف قانون متبوع تقسیم نمایند.

۱. مهدی، شهیدی، ارث، (تهران: انتشارات مجد، چ ۶، ۱۳۹۰)، صص ۱۷-۱۸.

۲. عیسی، محمدیان نعمت‌سرا، حقوق بین‌الملل خصوصی ارث در حقوق ایران، کنوانسیون ۱۹۸۹ لاهه و اتحادیه اروپا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل دانشگاه گیلان، ۱۳۹۴، ص ۷۶.

۳. نجادعلی، الماسی، حقوق بین‌الملل خصوصی، (تهران: نشر میزان، چ ۱۳، ۱۳۹۳)، ص ۳۴۴.

حاکمیت اداره در حوزه احوال شخصیه جزء اصول کلی حقوقی نبوده، در حقوق بسیاری از کشورهای دیگر نیز پذیرفته نمی شود.^۱ آزادی انتخاب قانون حاکم بر ارث تا مدت مدیدی در بیشتر کشورهای اروپایی ممنوع یا محدود بود، اما امروزه انتخاب قانون حاکم در بسیاری از حوزه های احوال شخصیه در اتحادیه اروپا پذیرفته شده است.^۲

امری بودن قواعد ارث در متون فقهی نیز مشاهده می شود، به همین دلیل است که وصیت مازاد بر ثلث اجازه داده نشده است. حتی در متون فقهی در صورت اجازه ورثه قبل از فوت نیز در خصوص صحت این وصیت تردیدهایی وجود دارد.^۳ وصیت به آن چیزی که قابل انتقال نیست مثل حق قصاص و شفعه صحیح نمی باشد.^۴ تمامی قواعد ارث مثل موانع آن و سهم های ورثه امری هستند و اراده افراد در آنها دخیل نیست.

لذا در حقوق ایران و فقه امامیه، امکان تنظیم سازش نامه در خصوص حقوق ارث وجود ندارد و استثنا کردن این نوع از سازش نامه ها از محدوده اعمال کنوانسیون سنگاپور، اقدام قابل دفاعی بوده است، زیرا در بسیاری از کشورها مقررات ارث امری هستند و در صورت تکلیف کشورها به اجرای سازش نامه های مربوط به حقوق ارث، شاید بسیاری از آنها از جمله ایران به این کنوانسیون ملحق نمی شدند.

نتیجه

کنوانسیون سنگاپور تلاشی برای ارتقای جایگاه سازش در میان روش های حل و فصل اختلافات است. مهم ترین ویژگی این کنوانسیون، اعطای وصف لازم الاجرا به سازش نامه های ناشی از فرایند میانجی گری است. البته برخی سازش نامه ها به دلیل موضوع آنها فاقد چنین حمایت اجرایی هستند. مهم ترین دلیل ذکر چنین استثناهایی از یک طرف، اعمال مقررات ملی مختلف نسبت به آنها و از طرف دیگر، تلاش برای جذب حداکثری کشورها در الحاق به کنوانسیون یادشده بوده است.

۱. عیسی، محمدیان نعمت سرا، پیشین، ص ۷۷.

2. Nagy, C. I, "What Functions May Party Autonomy Have in International Family and Succession Law? An EU Perspective", *Nederland's Internationaal Privaatrecht (NIPR)*, Vol. 30, No. 4, (2012), p 576.

۳. اکبر، نایب زاده، فقه تطبیقی ارث و وصیت شرح ترجمه و حل مسائل از کتاب الخلاف شیخ طوسی، (قزوین: انتشارات طه، چ ۱، ۱۳۸۳)، ص ۱۸۸.

۴. زین الدین، الجبلی العاملی (شهید ثانی)، الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه، ص ۳۳۲.

به نظر می‌رسد رویکرد کنوانسیون سنگاپور در خصوص موضوع دعاوی مستثنی‌شده از قلمرو معاهده یادشده، بیش از آنکه مبتنی بر جهات کیفی و محتوایی مطرح در دعاوی موردنظر باشد، مبتنی بر سیاست‌گذاری تنظیم‌کنندگان کنوانسیون برای ایجاد اجماع فراگیر بین‌المللی و ترغیب هرچه بیشتر نظام‌های حقوقی مختلف به امضای کنوانسیون پیش‌گفته بوده است. در عین حال، از میان دعاوی چهارگانه مستثنی‌شده از مقررات کنوانسیون، دو نوع از این دعاوی (دعاوی مربوط به حقوق خانواده و حقوق ارث) ارتباط بسیار بنیادین با زیرساخت‌های فرهنگی کشورهای مختلف داشته، به همین جهت، تفاوت‌های فاحشی بین مقررات نظام‌های حقوقی گوناگون در این زمینه مشاهده می‌شود و لذا مستثنی نمودن دعاوی یادشده از سوی کنوانسیون، کاملاً قابل دفاع است. این درحالی است که حمایت از مصرف‌کننده و کارگر، اقتضائات فرهنگی محلی چندانی نداشته، لذا می‌توانست با وسعت نظر بیشتری از سوی تنظیم‌کنندگان کنوانسیون مواجه شود.

اگرچه در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران اصل سازش تشویق و ترغیب شده است، اما روش یادشده به‌عنوان یک طریق مستقل حل اختلاف در دعاوی داخلی با محدودیت‌هایی از جهت لازم‌الاجرا بودن نتیجه سازش مواجه است. الحاق ایران به کنوانسیون سنگاپور (در صورت نهایی شدن) صرف‌نظر از دعاوی مستثنی‌شده از قلمرو کنوانسیون، به یقین گامی مثبت در جهت حمایت اجرایی مستقیم از سازش‌نامه‌های بین‌المللی در نظام حقوقی ایران قلمداد می‌شود. در این مقاله با بررسی برخی از مقررات کنوانسیون سنگاپور و تطبیق آن با بافت فقهی و حقوقی موجود، این نتیجه حاصل شد که پذیرش این کنوانسیون در جامعه حقوقی ایران، از لحاظ فقهی و حقوقی کاملاً ضروری و اجتناب‌ناپذیر بوده و از جهات متعدد این معاهده منطبق با شاکله فقهی و حقوقی موجود است. لذا بررسی تطبیقی مقررات این معاهده نشان می‌دهد که الحاق و اجرای این معاهده در فضای حقوقی کشور کاملاً ضروری است.

از آنجا که یکی از دغدغه‌های مراجع تصمیم‌گیرنده در خصوص الحاق ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی، حفظ اصالت و شاکله سنتی حقوق داخلی ایران است، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که استثناهای پیش‌بینی شده در کنوانسیون موردبحث به نحوی تنظیم

شده است که حفظ یکپارچگی حقوق داخلی ایران را عملاً لحاظ می‌کند و با توجه به استثناهای یادشده، قانون‌گذار ایرانی می‌تواند بدون کمترین دغدغه در این خصوص نسبت به الحاق هرچه سریع‌تر ایران به این کنوانسیون اتخاذ تصمیم نماید. درحقیقت تنظیم‌کنندگان کنوانسیون سنگاپور با پیش‌بینی استثناهای مندرج در مقاله حاضر عملاً به قانون‌گذاران ملی و قانون‌گذار ایرانی این اطمینان خاطر را داده‌اند که استثناهای پیش‌بینی شده اجازه نخواهند داد که الحاق به کنوانسیون حاکمیت ملی کشورهای عضو و رعایت قواعد امری آنها را مخدوش کند؛ به این ترتیب قانون‌گذار ایران با لحاظ استثناهای یادشده در کنوانسیون نباید ذره‌ای تردید در ضرورت الحاق به این کنوانسیون به خود راه دهد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- کتابها

۱. آزادی، محمدرضا، *حقوق کاربردی مصرف‌کننده*، (تهران: انتشارات مجد، چ ۱، ۱۳۹۱).
۲. الماسی، نجادعلی، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، (تهران: نشر میزان، چ ۱۳، ۱۳۹۳).
۳. براتی‌نیا، محمد، *دیدگاه‌های نو در حقوق کار*، (تهران: انتشارات فکرسازان، چ ۱، ۱۳۸۲).
۴. داراب‌پور، مهرباب، *تفسیری بر حقوق بیع بین‌الملل کنوانسیون ۱۹۸۰ وین*، چ ۱، (تهران: انتشارات گنج دانش، چ ۲، ۱۳۹۱).
۵. رفیعی، احمد، *حل اختلاف کار در نظام حقوقی ایران در پرتو اصول دادرسی منصفانه*، پایان‌نامه دکتري رشته حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۱۳۹۰.
۶. رفیعی، احمد، *حقوق کار*، (تهران: انتشارات فکرسازان، چ ۲، ۱۳۹۵).
۷. رفیعی، احمد، *قانون کار در نظم حقوقی کنونی*، (تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بینه، چ ۱، ۱۳۹۳).
۸. رنجبری، ابوالفضل، *حقوق کار*، (تهران: انتشارات مجد، چ ۹، ۱۳۸۸).
۹. شعاریان، ابراهیم و رحیمی، فرهاد، *حقوق بیع بین‌الملل*، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چ ۱، ۱۳۹۳).
۱۰. شهیدی، مهدی، *ارث*، (تهران: انتشارات مجد، چ ۶، ۱۳۹۰).
۱۱. صفایی، سیدحسین؛ کاظمی، محمد؛ عادل، مرتضی؛ میرزائزاد، اکبر؛ *حقوق بیع بین‌المللی بررسی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰، با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا*، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۴، ۱۳۹۲).
۱۲. عراقی، عزت‌الله، *حقوق بین‌المللی کار*، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۶۷).
۱۳. عراقی، عزت‌الله، *حقوق کار*، چ ۱، (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چ ۸، ۱۳۸۷).
۱۴. عمید زنجانی، عباسعلی، *قواعد فقه بخش حقوق خصوصی*، چ ۱، (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چ ۱، ۱۳۸۶).
۱۵. قربان‌وند، محمدباقر، *تفسیر قضایی و نقد قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱)*، (تهران: انتشارات مجد، چ ۱، ۱۳۹۳).

۱۶. کاتوزیان، ناصر، *مسئولیت ناشی از عیب تولید*، (تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۸۱)، محقق داماد، سید مصطفی، *تحلیل فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن*، (تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چ ۱۶، ۱۳۸۶).
۱۷. نایب‌زاده، اکبر، *فقه تطبیقی ارث و وصیت شرح ترجمه و حل مسائل از کتاب الخلاف شیخ طوسی*، (قزوین: انتشارات طه، چ ۱، ۱۳۸۳).

– مقالات

۱۸. ابدی، سعیدرضا و ادریسیان، حامد، «مطالعه‌ای تطبیقی در ساختار و نظام دادرسی کار ایران و برخی کشورهای اروپایی»، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۷، ش ۲ (۱۳۹۵)، صص ۳۸۵ تا ۴۰۳.
۱۹. السان، مصطفی؛ نجفی‌زاده، لیلا؛ جلیلی آذر، مسعود، «بررسی موردی مقررات قانون حمایت از خانواده بر مبنای اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ش ۸۳ (۱۳۹۷)، صص ۱۳۷-۱۵۸.
۲۰. باقرزاده، احد، «ضرورت رویکرد نظری حقوق مصرف‌کننده به حقوق بشر»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۴۶ (۱۳۸۳)، صص ۱۴۵-۱۷۲.
۲۱. خالقیان، جواد؛ نوری، الهه؛ محمدی، امید، «بررسی امکان تداخل صلاحیت ذاتی دادگاه خانواده با مراجع دیگر»، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، سال هجدهم، ش ۷۲ (۱۳۹۵)، صص ۵۷-۸۰.
۲۲. داراب‌پور، مهرباب، «بررسی ماهوی حقوق مصرف‌کنندگان در حقوق انگلستان و ضرورت اصلاح کاستی‌های حمایتی از آنان در حقوق ایران»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ش ۴۸ (۱۳۸۷)، صص ۹-۶۳.
۲۳. رهنمون، رئوف و شیخ‌الاسلامی، اسعد، «حمایت از حقوق مصرف‌کننده و قلمرو آن در فقه شافعیان و امامیه»، *مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی*، سال چهل و چهارم، ش ۱ (۱۳۹۰)، صص ۷۷-۹۷.
۲۴. طاهری، آزاده سادات (۱۳۹۴)، «بی‌اعتباری سازش بدون آگاهی کارگر از حقوق خود»، *فصلنامه رأی مطالعات آرای قضایی*، ش ۱۱ (۱۳۹۴)، صص ۹۷-۱۰۳.
۲۵. فرهادی، مریم، «نقد و بررسی تطبیقی قوانین حمایت از مصرف‌کننده با حقوق کشور فرانسه»، *مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان*، ش ۴ (۱۳۸۷)، صص ۲۰۱-۲۲۴.

۲۶. محمدیان نعمت‌سرا، عیسی، *حقوق بین‌الملل خصوصی ارث در حقوق ایران، کنوانسیون ۱۹۸۹ لاهه و اتحادیه اروپا*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل دانشگاه گیلان، ۱۳۹۴.

۲۷. یوسف‌زاده، احمد و باریکلو، علیرضا، «نقش دعوی گروهی در حمایت از مصرف‌کننده»، *دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی*، دوره جدید، سال بیست و چهارم، ش ۱۱ (۱۳۹۶)، صص ۱-۲۴.

ب) عربی

۲۸. ابن‌منظور، ابوالفضل، *لسان العرب*، ج ۱۱، (بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر و التوزیع، ج ۳، ۱۳۸۳)

۲۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، (بیروت: دار الفکر، ج ۱، ۱۴۰۱ ق).

۳۰. الجبلی العاملی، زین‌الدین (شهید ثانی)، *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، ج ۲، (قم: انتشارات دارالتفسیر، ج ۱۲، ۱۳۹۱).

۳۱. حرعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه الی التحصیل الشریعه*، ج ۱۸، (بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱، ۱۳۷۲).

۳۲. حرعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه الی التحصیل الشریعه*، ج ۵، (بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱، ۱۳۷۲).

۳۳. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه الی التحصیل الشریعه*، ج ۴، (بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱، ۱۳۷۲).

۳۴. حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن (محقق حلی)، *تسرایع السلام فی مسایل الحلال و الحرام*، (قم: انتشارات اسماعیلیان، ج ۱، ۱۴۰۹ ق).

۳۵. حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی)، *قواعد الاحکام*، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱، ۱۴۱۸ ق).

۳۶. حسینی روحانی، سید محمدصادق، *منهاج الفقاهه*، (قم: چاپخانه باران العلمیه سپهر، ج ۱، ۱۴۱۸ ق).

۳۷. زرقاء، مصطفی، *المدخل الفقهی العام*، (دمشق: چاپ خانه الفیاء الادیب، ج ۱، ۱۹۶۷ م).

۳۸. صدوق، محمد بن علی، *من لایحضره الفقیه*، (قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه، ج ۱، ۱۴۰۴ ق).

۳۹. عاملی (شهید اول)، محمد، *اللمعة الدمشقية*، (قم: دارالفکر، ۱۴۱۱ ق.).
۴۰. موسوی خمینی، سید روح الله، *الرسائل*، ج ۲، ج ۳، (قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۱، ۱۴۱۰ ق.).
۴۱. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح تساریع الاسلام*، ج ۲۹، (بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱، ۱۴۳۰ ق.).
۴۲. نوری، میرزاحسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، (بیروت: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ج ۱، ۱۴۰۸ ق.).

ج) انگلیسی

43. Alexander, Nadja, “Ten Trends in International Mediation”, *Singapore Academy of Law Journal*, V. 31, (2019).
44. Brand, R. A, “Party autonomy and access to justice in the uncitral online dispute resolution project”, *Loyola University Chicago International Law Review*, 10(A), 11-36, (2012).
45. Lo, Chang-fa, “Desirability of a New International Legal Framework for Cross-Border Enforcement of Certain Mediated Settlement Agreements”, *Contemporary Asia Arbitration Journal*, Vol. 7 No 1, (2014).
46. Lo, Chang-fa and Jo-Mei M, Winnie, “Draft Convention on Cross-Border Enforcement of International Mediated Settlement Agreements”, *Contemporary Asia Arbitration Journal*, Vol. 7 No 1, (2014).
47. Nagy, C. I, “What Functions May Party Autonomy Have in International Family and Succession Law? An EU Perspective”, *Nederland’s International Privaatrecht* (NIPR), Vol. 30, No. 4, pp. 576-586, (2012).
48. Schnabel, Timothy, “The singapore convention on mediation: framework for the cross-border recognition and enforcement of mediated settlements”, *Pepperdine Dispute Resolution Law Journal*, 19(A), pp.1-60, (2019).
49. Uncitral, “*Audio Recordings: Working Group HI (Arbitration and Conciliation), 63rd Session*”, Available at: <<https://icms.unov.org/CarbonWeb/public/uncitral/speakerslog/dfe74c41-404d-4cd9-ad3e-8ab8834a3dcc>, Accessed at 2019/11/22>, (2015).

50. Uncitral, “*Audio Recordings: Working Group III (Dispute Settlement), 65th Session*”, Sept. 16, 2016, available at: <<https://icms.unov.org/CarbonWeb/public/uncitral/speakerslog/aa875fca-el3c-49db-83f7-820bbe6dfe74>>, Accessed at 2019/11/22>, (2016).
51. Uncitral, “*Audio Recordings: Working Group I (Arbitration and Conciliation), 64th Session*”, Feb. 2, 2016, available at: <<https://icms.unov.org/CarbonWeb/public/uncitral/speakerslog/16f5401a-84d4-407a-a63b-06511666b2d9>>, Accessed at 2019/11/22>, (2016).
52. Vanišová, Veronika, “*Current Issues in International Commercial Mediation: Short Note on the Nature of Agreement Resulting from Mediation in the light of the Singapore Convention*”, Charles University In Prague Faculty Of Law, Prague Law Working Paper Series, Available at: <<https://ssrn.com/abstract=3413560>>, Accessed at 2019/11/22>, (2019).
53. Žukauskaitė, Miglė, “Enforcement of Mediated Settlement Agreements”, *Vilnius University Press*, Vol. 111, pp. 205–217, (2019).